

اشترک

واژه امتیاز و تیز روی
ج. پشیدی

سالانه
ششماه
برای کارگران و کشاورزان و محصلین
و کارمندان جزدهه اولی صدی بیست تغذیف
مستور میگردد

بهای آتی بهیجا با دفتر اداره است
بهای اداره:
(خیابان لاله زار - پاساژ نهار)

آذربایجان یکشنبه - سه شنبه پنجشنبه منتشر میشود
این روزنامه عضو جبهه آزادی است

خبر امتیاز نفت شمال صحت پیدا کرد.

و معالی دو دست پست بهتراست و این شماره دو کتاب صحت بخیزد.

آذربایجان میهن است

چرا دیگر رفتار میکند؟

بلکه اگر وضعیت غیر ایرانی و ملی و فرهنگی و تشکیلاتی ما اجازه میداد با سرمایه و دانش خودمان میتوانیم تمام مایه های این سرزمین را بکنیم که بسیار خوش و بختی و بختی ما را در دست ما قرار دهد و از نقطه نظر سیاست بین المللی و این موازنه نظامی منابع در هر طرف مایل بود که در صدها

موضوع امتیاز نفت شمال ایران یکی از مسائل مهم روز شده است با ورود آقای کانزاد که معاون کبیری امور خارجه اتحاد جماهیر شوروی است موضوع صحت پیدا کرده است روز پنج شنبه مدیر روزنامه اطلاعات مصاحبه ای را که با رئیس هیئت ازمایش شوروی پستی با آقای کانزاد کرده بود انتشار داد و نیز خبرهای گوناگونی در این باره در روزهای منتهی به است تاس کرد که در مابین دولت ایران و نمایندگان دولت اتحاد جماهیر شوروی در موضوع امتیاز نفت شمال توافق نظر حاصل شده مطرح آن را برای تعویب مجلس شورای ملی تهیه کرده اند

در مطبوعات ایران طوری که با انتشار میرفت مطالب آن با این موضوع مشاهده نشد بلکه بعضی از روزنامه ها نیز روزنامه اظهار خوشبینی مطلق کرده اند نقدا به بحث در جزئیات نیشود وارد شد زیرا از آن اطلاع دقیق و قطعی

بیک کار طلب

از افرادی که روزنامه ما میخوانند کویا دولت در نظر دارد بنا به دعوت سفارت آمریکا از طرف مطبوعات ایران بفرج سفارت خانه زینویجاوار نفر نماینده پارلیک فرستد کویا دولت بدون مشورت و مراجع مدیران جراید از طرف خود اشخاص مبتنی را برای این سفارت تعیین کرده است این موضوع در محافل مطبوعاتی ایران بسیار پسندیده و روزنامه نویس ها نسبت به بیانات مدیران دولت هیجانی کرده است مایم بودن اینکه در شهرداری سلامت بزرگوار و دانشمندان کارکنان یکی از اقدامات بسیار مفروضه و غلط دولت صادر میباشیم

برای روزنامه نویسیها بالا کلیل لایب بود اگر تمام ملت را مدیر حساب کرده برای همه کویل و نماینده دولت باید استناد کرد مایم هائو نویسیها را تعییرات خلق بیرون هر کسی را بیرون از طرف خودشان فرستند به تمام مطبوعات

تاریخ زندگانی کسی که فرمانده حقیقی

ژوئی نظامی اهلستان است
ژنرال بیژانیر رولانزیدین صلیکی کیست؟



ژنرال زنده شلیق فرمانده قوه مسلحان اهلستان

خبرگزاری یوتی بی و است که گفته بود تا پیش از این در زندگانی دو یارده روز زندگی وی در محافل رولانزیدین صلیکی در این کشور که مستشار برای دولت شوروی در جنگ و بیژانیر صلیکی است در خارج از این کشور و در این اطلاع که اینک او را در این کشور

بهن ابراهیم

تجویلات همای در بالکان

همان منطقه مغلوبه شد و است و چون یک چنین منطقه ای بر روی جام گیری او بروز اختلافات کم بود پس این کشور با باقران و یونان یک امر منطقی است در حال حاضر بطوریکه معاهده بیساریا روزنامه تاخیر حاکی است روابط بین یونان و دولت انگلستان از این رو روشن آید در صدها

از مجله اند

بهبشت موعود

شگفت انگیز ترین تشکیلات اجتماعی

دام رنک: این جنابان بویکت نام داشت رفیق بشنوادی ارد - همه پیشنهاد او را پسندیدند - ایوان سوی معجلت جردان غیر نظامی فتنه آنها را از فتنه خود آگاه ساخت - فتنه ای قوی الهامه باهرانه هالی بود - روز سه شنبه جنگل رفته در خردمندی بلای که هرگز در زندگانی اطراف نشد - میسکند - حرف بیگانه گردن صدمه میباید - تمام کرده - گمشته آلمانی آجا وید و صدای چوب بلای که در یک فتنه چوب میسکند میگرد آردا - صدمه شروع به بر گردن صدمه آوردند - حبس این بلبل حبیب آن بود - کویرته آردا در در حبیب و صدای جنگل میزد - آلمانی های بیخبر هم او را تعقیب می کردند تا او به جنگل گریزد - باقی در صدها

از روزنامه های این
چه جور مطالبات میگردد
چه جور روزنامه میخوانند
بچه روزنامه سر بازار بدمت
نقط مبارک مراد شد
صبح هوا هم غایب داشت سوار
است بین السوا شده بود بل سواد
و این دوواهایی آجا میخوانند - پرسنگ
مسائت دارد اما برج پرسنگ از پیشتر
بودند - کس پرسنگ - که هراره بودند
و احبیم راه دوستانه از رود عبور کرده
دست راست بند افتادیم همه جا رود
خانه - تالار در میان حایل بود - آتش بیار
و این گل آلوده استی از بزرگترین
ظهور آلوده و آت سرد آتیه استادم
حکم دادم مردم اعتماد کرده است و
گرفته بود یک روز بعد - بین کتک
سازمان آتیه بیرونی اعتدال - صاحب
بودند صحت - صبر - صبر - صبر
برهت اما بود در حرف جاده حاکم
و این باغ مانده - صبر - شکوه - صبر
آرزوی و کتای هوا و صبر - صبر
معلم - در صدها - در صدها - در صدها
سید - صبر - صبر - صبر - صبر
ترشح در این صدها - صبر - صبر
کتاب اما از صدها - صبر - صبر
من بل این صدها - صبر - صبر
نیز در صدها - صبر - صبر
فردی در صدها - صبر - صبر
صبر - صبر - صبر - صبر

موزیکها

داستان موزیکها از بیخبر ترده
آقای گریه کشنده از لوبل خارج
اداره آذربایجان برای موزیک پخش
میرسد -

دیک پیرده از زندگانی

اجتماعی

از قبیل نوشین، در پارسیک و هنر مندانی
مانند جانی و غیره در آن شرکت داشته
و همچنین بعضی های آنان را در آن
میگذاشتند تا بوی مرغی که توانست
در میان آنها دعوت کند بر آنرا اعتماد
فانی خرد در اداک مدنی مشهور شود
ارای بود -
از بنا با مایشات هر زمانه آخرد
این روزنامه ۲

نگار و کاور روزنامه ها

تقریباً بطور و جلد شیر کرده بود
نشت و وزیر با ترس و بیم بهر است
برود رئیس مجلس است و را نورد
بهای باه فراز داده بالای برکت
رفته بود
در زیر این کتبه میشد - تشریح
شیر شیل فقط پوست شیر پوشیده است
بما شیل است و بیاطالی را از کوزه
آرای مجلس بیرون آورده در زیر این
ایشان را بنادبست تعجب و ریاضت مجلس
تبریک گفته بود
فته گمشته میوان گت کار بکنی
وست و در این روز می نشانند آن
سید ضیاء الدین و معاطب کرد از شاکر
زده بود در شهره این فقط
آوردند و میشد و در زیر این
جلاست و دیگر این جمله مقارده میشد
آی آن آقا مردم مسواوی میدهند
باید سوار شد

ورق پاره‌های زندان، پنجاه و سه فصل

تکرار هزار است

یکی از متعین درون باد داشت های مایه‌دوستی به گردب این بود که می توان گفت اوست است و روحیه و اخلاقی و کردار مناسبت خود و معیض سیاسی پایتخت ایران را در آنجا های نوازشی خود تصویر بکنه مثلک سیاسی است جاو است خود یعنی قلم را در دست دارد آن را طرفت مقدم و هدف خود برانید در راه از گل چینی از بی مان، علوی به همین کار را می کند او با تبحر و رفته اساسی دانستن از جیب و راست هم سخن مر...

نیست من دورانه کار خودم مکرر استماع کرده ام اینک در دست استاد محترم کرمی جان میگردد ... می خبان میگردد نویسنده کان با عرضه از دون نویسنده ... نامه خود نوشته بودم ... در ایستگاه میبندم آن اثری است که جا مانا میبندم در وقت آنرا میبندم (آلمانی) خود قرار میگردد ...

مهمه هم چون آن روز خوی ... هر دو روزی که در آن روز ... در آن روز ... در آن روز ...

چشم و زخمی ... در آن روز ... در آن روز ...

مهاجرت و تکرار

مهاجرت و تکرار ... در آن روز ... در آن روز ...

رفع استصباح خان بلیور

در آن روز ... در آن روز ...

چرخه دواوه

آزیر

بک برده از زندگانی

انجمن‌های

نو است سانه از آذربایجان خودم از آن زمان تاکنون شورت خودم را بیسته حافظ کرده ام ...

در آن روز ... در آن روز ...

در آن روز ... در آن روز ...

در آن روز ... در آن روز ...

در آن روز ... در آن روز ...

در آن روز ... در آن روز ...

مسافه ادبی

بقلم ابوالاسم

معهذا صحرایه نخوام خود را

کدام امری تازه کشف کردی ...

کف تصدیق میکنم ولی تو آن زن گوشت آلود لپستان را می بینی ...

در آن روز ... در آن روز ...

در آن روز ... در آن روز ...

در آن روز ... در آن روز ...

در آن روز ... در آن روز ...

در آن روز ... در آن روز ...

عقب امتیاز وقت شمال

بیته ازمنه اول
بیته ازمنه اول
بیته ازمنه اول

بیتداری و بعضی از بخش ادب تجارتی بهر
و سرمایه دارانی این کشور بهر این
توجه رسیدیم که این یک خیال محال و
(پلکانی) غیر عملی است.
اگر این امتیاز باقی بماند باید اعتماد
دخاتر گرفت و در زمین خود شروع نمود
چون این برای توسعه و رونق اطلاعات
فردی و بیگانه و وفلاکت و ادب و اعتماد
آدمه عدم.

میرزا علیخان که این فریض فریاد
میکرد که ایران با تمام غنای طبیعی
و بیکاری دست برده شده برای استخراج
مکان و ماندن ازمنه اول منافع ثروت طبیعی
خود اقدام نکند و این امکانات مالیات
در حد است. این با تمام اهمیت و توجه
که حکم یک مافوق را برقرار کرده است
ایران را بنا بر آنکه از منافع عالی کوچک
آن است که هر که جو خواهد چینی نمود
و او خواهد چینی نمود برای علم و مال و
جانت غرضی مافوق اقتصادی و فسادات.
امروز عشا ارباب علم و ادب و علم
اپوزی و با وافی نموده اند. ضمیر
گرمی باقی است و از زمین نمیگذرد
نگارنده بود و استفاده واقیع نبود.
فاته اگر دورودت با تمام فواید و منافع
عالم جیک دور شود کشور خود را در
چون کشور خاندان ایشان باور بود
ولی موضوع آنونی این عملی است.
اشورا ما به علاوه از تمام داخل شده
اشورا ما به علاوه از تمام داخل شده
اشورا ما به علاوه از تمام داخل شده

به وقت می خون

بیته ازمنه اول
بیته ازمنه اول
بیته ازمنه اول

نگاه کن خود آدمیان عدای جنگجویان
غیر نظامی تصور بدید. بلاشاهانه
اسیر شده نمایان اینکه بخواهند دست
ببرفت. بفرمان خود برین ابران دوروز
های معده عدای از آنها و او بهین
تیرک بدام ملک انداخت.
اششاه حاکم هنرات :
مخاض هنر در مورد روسیه
شوروی اشتباهان را دی دانشا مجاز
بسیاری ازجهازها در روسیه شوروی
بجایب آورد و روسیای از جوانی از تمام
اعانته بوده هنر فرمان ارش سرخ
و از بطرف اشتباه آذری بجای آورد
و از طرف ابران خانه سرخ نیز اطلاع و
گودکان روسیه شوروی و یکی از تمام
اششاه بود با خود این هنر ها که این
فرمان ارش سرخ رها و با خود دست
سرخ و دشمن روسیه را که میبکنند
این چها ترومانا مافات است نظری که
این امر پیش سر که ترومانا
قبول وقت
سی از ابراهام گودر بج آنا
صدمات شوروی شورانی سزاوار
و همه سرسکند از طرف سرخ کویف
سر پیچید چاره اوله است مومنه به
مشاجله با غلط بود و همه او به
سراسر از اضمحلال. هنر دیگر بجست
هنر های موتور بود و از تمام ابران
دیگر کپی آنی خانه روسی بود
برادر و هنر دیگر که همه یک
بهدام و سرشده شده است. میبکند چو خانه
و بعضی جوانان نیز شامی بیوسه و دو
تا حالا از افراسیابان خود اشتباه میکنند
خبر کور و اروپا :
میکند و خبر کور و اروپا
سنگ برافشان از اروپا
کرد و اول افصولا گشت که با
بشهرت خود گشت که با با
های آسانه این بیشتر شامت داشت
خبر کار و اروپا مورد اعتماد
این کار اروپا است.
میکنند کارها عیسای از روسیه بود
بسته مورد کور کورنیا نه شطرنج
رفته و ششام از آلمانیا دیدیده
آلمانیا بر ای بداند جنگجویان
نظامی آورده بود در مورد دیگر
متصدان افغانی شده کور بوده
از جنگ هیز بیارونه . همه جا
بشد در خنان آنها را نتان کرده تا
فقطه ای گامشاه خود زمین گذاشتند
تیر بدست کرد شروع بود در دست
کردند . آنگاه و از آنگه خارج
شده است. آنگاه عیسای برداشته
هره فرار ابر کرده با یگان مزدور
تصرف داده است.

نارنج زندگی

کسی که فرمانده حقیقی نظامی
لیسان است

بیته ازمنه اول
بیته ازمنه اول
بیته ازمنه اول

و ابرسان جزء بادت ورزید
در سال ۱۹۱۴ از طرف ارش
ارزش نهجدر گشت و اطلاع حاصل کرد
که خنسان راهی نظامی لپسائی
برای جنگ به روسیه و فرانسه است
هرستان فرار کرد و خوشا در اختیار
زیر براهی لپسائی گذاشت . تا سال
۱۹۱۷ بدست سران و سرداران و
سرگردی و با ناب سرنگی در دیدن
های و اسماهی مزدور شرکت جست
در سال ۱۹۱۸ فرانسه یکی از
مهمترین اسرا بود که از یونان برمیاید
وامان ناتوا نمایان بود که از جنگ برمیاید
اشش و با ابران مهاجر بود و بیرون
که در روسیه سرسکند . در دست
مشاهه بهای لپسائی داشت و در دوران
۱۹۱۹ دوره او از جنگ دست فریادی
اشش بود در فرافرو شده
در ۱۹۲۰ میرسکند گراشکل فری
مور به افراسیابان با برسی گراشکل
بسر از ابراهام ترحیمات علیه نظامی و
کدام به شکست دادند در دست ارش
بیته ازمنه اول
بیته ازمنه اول
بیته ازمنه اول

وضع بازار خود بیست

وضع بازار خود بیست
وضع بازار خود بیست
وضع بازار خود بیست

با با ظاهر امنیتی گامهای بازار و سقوط
بهای اجناس و مردم همین در اמצان آن
ابنواگر آید و کم بهر پایه ارزانی
شود خود داری میبکنند چون وضع این
تعارضه نیست اعتبار و اعتماد بازار
کم کم ازین میروند تا افکار خود
عصر اقتضای زمانه است اینجور تسدیدی
موجب نابسامانی و بیثباتی گرداند
که ممکن است جنباطول بکنند و برای
این از دست میروند همه میبکنند
باید که اجناس مورد انگیه و بند
و این بنا بر این روش است
در این جنباطول بهجای خود معده
معطوس در بازار این مقدار ازین
هت که دارد بواسطه شیشه نامشروع
اگر چه بازار میبکند تا با
خرابه خود میبکند به سراسر دنیا
را خنن خود فرو بدهد و مال گش
میرشد تا ضروری بیرون و ستری
سراسر جنباطول ضروری بیرون سراسر
خود بقیامده خود فرو بدهد کوچک
در قیمه فروخته است غیره خود فرو

وفاق عادل شمال

بیتداری و بعضی از بخش ادب تجارتی بهر
و سرمایه دارانی این کشور بهر این
توجه رسیدیم که این یک خیال محال و
(پلکانی) غیر عملی است.
اگر این امتیاز باقی بماند باید اعتماد
دخاتر گرفت و در زمین خود شروع نمود
چون این برای توسعه و رونق اطلاعات
فردی و بیگانه و وفلاکت و ادب و اعتماد
آدمه عدم.

بیتداری و بعضی از بخش ادب تجارتی بهر
و سرمایه دارانی این کشور بهر این
توجه رسیدیم که این یک خیال محال و
(پلکانی) غیر عملی است.
اگر این امتیاز باقی بماند باید اعتماد
دخاتر گرفت و در زمین خود شروع نمود
چون این برای توسعه و رونق اطلاعات
فردی و بیگانه و وفلاکت و ادب و اعتماد
آدمه عدم.

آب و زاروت ما

بیتداری و بعضی از بخش ادب تجارتی بهر
و سرمایه دارانی این کشور بهر این
توجه رسیدیم که این یک خیال محال و
(پلکانی) غیر عملی است.
اگر این امتیاز باقی بماند باید اعتماد
دخاتر گرفت و در زمین خود شروع نمود
چون این برای توسعه و رونق اطلاعات
فردی و بیگانه و وفلاکت و ادب و اعتماد
آدمه عدم.

آب و زاروت کشور خود بیست

وضع بازار خود بیست
وضع بازار خود بیست
وضع بازار خود بیست

با با ظاهر امنیتی گامهای بازار و سقوط
بهای اجناس و مردم همین در اמצان آن
ابنواگر آید و کم بهر پایه ارزانی
شود خود داری میبکنند چون وضع این
تعارضه نیست اعتبار و اعتماد بازار
کم کم ازین میروند تا افکار خود
عصر اقتضای زمانه است اینجور تسدیدی
موجب نابسامانی و بیثباتی گرداند
که ممکن است جنباطول بکنند و برای
این از دست میروند همه میبکنند
باید که اجناس مورد انگیه و بند
و این بنا بر این روش است
در این جنباطول بهجای خود معده
معطوس در بازار این مقدار ازین
هت که دارد بواسطه شیشه نامشروع
اگر چه بازار میبکند تا با
خرابه خود میبکند به سراسر دنیا
را خنن خود فرو بدهد و مال گش
میرشد تا ضروری بیرون و ستری
سراسر جنباطول ضروری بیرون سراسر
خود بقیامده خود فرو بدهد کوچک
در قیمه فروخته است غیره خود فرو

وضع بازار خود بیست
وضع بازار خود بیست
وضع بازار خود بیست

با با ظاهر امنیتی گامهای بازار و سقوط
بهای اجناس و مردم همین در اמצان آن
ابنواگر آید و کم بهر پایه ارزانی
شود خود داری میبکنند چون وضع این
تعارضه نیست اعتبار و اعتماد بازار
کم کم ازین میروند تا افکار خود
عصر اقتضای زمانه است اینجور تسدیدی
موجب نابسامانی و بیثباتی گرداند
که ممکن است جنباطول بکنند و برای
این از دست میروند همه میبکنند
باید که اجناس مورد انگیه و بند
و این بنا بر این روش است
در این جنباطول بهجای خود معده
معطوس در بازار این مقدار ازین
هت که دارد بواسطه شیشه نامشروع
اگر چه بازار میبکند تا با
خرابه خود میبکند به سراسر دنیا
را خنن خود فرو بدهد و مال گش
میرشد تا ضروری بیرون و ستری
سراسر جنباطول ضروری بیرون سراسر
خود بقیامده خود فرو بدهد کوچک
در قیمه فروخته است غیره خود فرو

آب و زاروت کشور خود بیست

وضع بازار خود بیست
وضع بازار خود بیست
وضع بازار خود بیست

با با ظاهر امنیتی گامهای بازار و سقوط
بهای اجناس و مردم همین در اמצان آن
ابنواگر آید و کم بهر پایه ارزانی
شود خود داری میبکنند چون وضع این
تعارضه نیست اعتبار و اعتماد بازار
کم کم ازین میروند تا افکار خود
عصر اقتضای زمانه است اینجور تسدیدی
موجب نابسامانی و بیثباتی گرداند
که ممکن است جنباطول بکنند و برای
این از دست میروند همه میبکنند
باید که اجناس مورد انگیه و بند
و این بنا بر این روش است
در این جنباطول بهجای خود معده
معطوس در بازار این مقدار ازین
هت که دارد بواسطه شیشه نامشروع
اگر چه بازار میبکند تا با
خرابه خود میبکند به سراسر دنیا
را خنن خود فرو بدهد و مال گش
میرشد تا ضروری بیرون و ستری
سراسر جنباطول ضروری بیرون سراسر
خود بقیامده خود فرو بدهد کوچک
در قیمه فروخته است غیره خود فرو